

معلمی و پیشوایی نسل آینده

باسمه تعالی

۱- هویت اصلی معلمی، پیشوایی است و نه رُباطی که محدود باشد به برنامه‌ای که اداره برای او تعیین کرده است.

آن برنامه و بخشنامه بهانه است تا معلمان در کنار دانش‌آموزان‌شان در جهان همدیگر حاضر شوند و از ظلمات بی‌ثمری در امان بمانند.

۲- معلم با وجوه استعلایی و روحانی دانش‌آموزان رابطه پیدا می‌کند و بدین لحاظ در مسیر پیامبران قرار می‌گیرد زیرا پیامبران در والاترین حدّ با ابعاد روحانی و فطری انسان‌ها رابطه برقرار می‌کنند.

۳- همان‌طور که انبیاء پیشوایان جامعه‌اند و نه مدیران جامعه، معلمان می‌توانند پیشوایان دانش‌آموزان خود باشند و از سلوک معلمی بهره‌مند گردند و از شغل خود راضی باشند.

۴- معلم واقعی به خوبی متوجه می‌باشد که زندگی مطلوب و حیات معقول حیاتی است که نسبت به غفلتی که جهان امروز از ابعاد متعالی بشر دارد، حساس است. مشکل جهان امروز فاقدِ معنا بودنِ انسان است و این یعنی سیطره پوچی، سیطره‌ای که از استبداد خطرناک‌تر است زیرا انسان بدون معنا، انسان نیست. بشر جدید تنها رابطه خود را با تکنولوژی برقرار کرده و دیگر معناها را از میان برده. در حالی که تکنولوژی هر اندازه هم مدرن باشد، جواب همه ابعاد وجودی ما را نخواهد داد. این معلمان هستند که دانش‌آموزان‌شان را متوجه افق‌های بلند انسانی می‌کنند.

۵- خوب است در رابطه با وظایفی که در این تاریخ داریم به سخنان رهبر معظم انقلاب «حفظه‌الله تعالی» فکر کنیم که معتقدند معلمان توان ساختن نسلی را دارند که

آن نسل دارای هویت ایرانی-اسلامی عمیقی است و در نتیجه نسلی است دانا و کارآمد و آشنا با سبک زندگی اسلامی و سنت‌های ایرانی. و فرمودند رسالت معلمان است که دانش‌آموزانی تربیت کنند دارای هویت ملی که از عمق جان با افتخارات کشور آشنا باشند و متوجه عظمت شخصیت امام بزرگوار که تاریخ جدیدی را در مقابل ما گشود، باشند. نسلی که معنای مقاومت در مقابل استکبار زورگو را بفهمند و با اعتماد به نفس کامل در صدد ساختن تمدن نوین اسلامی آینده باشند.

معلمین واقعی رسالت امانتداری این نسل را به‌خوبی احساس می‌کنند و از این جهت منتظر نمی‌مانند، بلکه با ابتکارات شخصی خود هر کاری که در این راستا می‌توانند انجام دهند، انجام می‌دهند و کوتاهی نمی‌کنند. (گزیده‌ای از سخنان رهبر معظم انقلاب در

(۱۴۰۱/۲/۲۱)

با توجه به نکات فوق خوب است:

۶- ابتدا به خود آیمیم که حقیقتاً معلّم شدن ما به عنوان شخصیتی که بنا دارد با دانش‌آموزان خود متفکرانه روبه‌رو شود، یک عطاء الهی و یک رویداد است و خداوند چنین شوقی را در ما ایجاد کرد تا مأوای ما در این جهان در چنین حضوری باشد و البته باید آن را پاس داشت و تلاش کنیم این حضور همواره برای ما به عنوان مأوایی که عطاء الهی است پایدار بماند و همان‌طور که هرکسی نمی‌تواند حافظ شیرازی شود، هرکس هم نمی‌تواند معلّم شود، معلّم شدن یک عطاء الهی است.

والسلام